



برانی (راندن): دور کنی، طرد کنی	هستی: جهان، خلقت، آفرینش
ننوازی (نواختن): مهربانی و نوازش نکنی،	بیم: ترس
محبت نکنی	ببخشای (بخشودن): از گناه ما چشم‌پوشی کن
مونس: همدم، یار	ببخش (بخشیدن): نعمت بده، بخشنده باش
غمخوارگان: غمخواران	یاور: دوست، همراه، پشت و پناه

صفحه ۸ کتاب درسی

**بخوان و حفظ کن (ای همه هستی ز تو پیدا شده)**



خاکِ ضعیف از تو توانا شده

ای همه هستی ز تو پیدا شده

ای خدایی که تمام آفرینش از تو به وجود آمده است و انسان که از خاکی کم‌ارزش خلق شده، به اراده و خواست تو قدرت پیدا کرده است.

هم تو ببخشای و ببخش، ای کریم

از پیِ توست این همه امید و بیم

این همه امید و ترس برای توست؛ ای بخشنده! از گناهان ما چشم‌پوشی کن و نعمت‌هایت را به ما ببخش.

گر تو برانی، به که روی آوریم؟

چاره‌ی ما ساز که بی یاوریم

خدایا ما دوست و یآوری نداریم، خودت مشکلات ما را چاره کن (برطرف کن) اگر تو ما را از درگاهت دور کنی، به چه کسی رو آوریم و پناه ببریم. (کسی را نداریم که به او پناه ببریم).

گر ننوازی تو، که خواهد نواخت؟

جز در تو، قبله نخواهیم ساخت

ما قبله‌ای جز درگاه تو انتخاب نمی‌کنیم. اگر تو با ما مهربانی نکنی، چه کسی به ما محبت می‌کند؟ (کسی به ما محبت نمی‌کند).

چاره کن ای چاره‌ی بیچارگان

یار شو، ای مونسِ غمخوارگان

ای همدم رنج‌کشیدگان، یار ما شو و ای چاره‌ی مشکلات انسان‌های بیچاره، چاره‌ای برای ما بیندیش.

نظامی، مخزن الاسرار